

نفس در سینه

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پرورگار عالم هستی در روزی که میباید بدلیل آنچه در ذخیره است نفس در سینه فرزندان شهریار ولی حبس گردد این نوشتار را به وحی قلبی تهیه و تدوین میکنیم. دلیلی که پشت چنین حسی واقع است همانا حدوث دو پدیده ای ست که برای فرزندان کنار نهاده ایم و با تبلور خاصیتی که در پیامد آن در وجودش رخ میدهد گویی شهریارمان از نو متولد میگردد. خاصیت مزبور اشاره به این دارد که شهریار ولی از کاملترین فرد انسانی به وجودی مبدل میشود که خدای کهتر یکی از بارزترین عنوانهای اوست. حال بشما خواننده که ساعتی پس از ظهور قریب الوقوع شهریار با این نوشتار و خیل نوشتارهای دیگر آشنا میشوید اینرا القا میکنیم که باید چنانچه روزگارتان قرین سعادت باشد هر خطی را که میخوانید برایتان مولد احساسی باشد. احساس عشق نسبت به فردی که بمیان عالم آمده تا اساسی را که تا کنون تشکیل گردیده زیر و زبر سازد. اعتلایی که شهریار با خود میآورد بمنزله بیرون آمدن خورشید تابان بر شب تاریک عالم است. کسانی که تا کنون قلبشان با عشق حق آشنا نگردیده بود با داشتن شهریار ما در میانه قلیان احساساتی را در دل خواهند یافت که تا پیش از این برایشان ندانسته و نیازموده بود. اینرا از ما دانید و بدرگاه ما شکرگزار باشید و هر ستایشی را که میتوانید به پای فرزندان شهریار مبذول کنید تا همای رستگاری بر بام منزلتان نشیند و وجودتان را قرین سعادت سازد. حال به روزهای شیرین آینده اندیشه کنید و آستین بالا زنید تا بطرزی جمعی به سازندگی کشور و سرزمینی پردازید که میرفت تا بدست ملایان اشغالگر و مزدورانشان به ویرانه ای رقت بار مبدل شود. ما اینرا برای ملت بزرگ ایران نپسندیدیم و بر حسب مشیّتی که داشتیم نجات از چنگال دیوَصفتان را بر شما فراهم کردیم. عشق شهریار ولی از روزیکه قدم بمیدان گذارد دلهای بسیاری را فتح میکند. خوشا بحالتان اگر شما در میان خیل این باسعادتان باشید...